تحلیلگران ابعاد بین المللی ماجراجویی ترامپ در ونزوئلا را بررسی کردند

کودتا علیه نظم بین‌الملل

دیدگاه

سیمون تیسدایل
سردبیر سابق بخش آمریکا در گاردین

سقوط و بازداشت نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهوری سوسیالیست ونزوئلا، به‌دست نیروهای مهاجم ایالات متحده، موجی از ترس و بهت را در سراسر جهان برخواهد انگیخت. این کودتا غیرقانونی، بی‌دلیل و از نظر منطقه‌ای و جهانی بی‌ثبات‌کننده است و هنجارهای بین‌المللی را زیرپا می‌گذارد، حقوق حاکمیتی و تمامیت ارضی کشورها را نادیده می‌گیرد و بالقوه می‌تواند وضعیتی آنارشیک در داخل خود ونزوئلا ایجاد کند.

این آشوبی است که به سیاست تبدیل شده است، اما این همان جهانی است که اکنون در آن زندگی می‌کنیم؛ جهان از نگاه دونالد ترامپ.

حمله مستقیم به ونزوئلا نمونه‌ای خارق‌العاده و خطرناک از اعمال بی‌قیدوشرط قدرت ایالات متحده است. این اقدام پس از ماه‌ها تشدید فشارهای نظامی، اقتصادی و سیاسی آمریکا بر مادورو صورت می‌گیرد؛ فشارهایی که شامل حملات مرگبار دریایی به قایق‌های مظنون به قاچاق مواد مخدر نیز بوده است. ترامپ همچنین متهم است که چشم طمع به منابع عظیم نفت و گاز ونزوئلا دوخته است؛ ظنی که با توقیف‌های مکرر و غیرقانونی نفتکش‌های ونزوئلایی از سوی آمریکا تقویت شده‌اند.

اما به نظر می‌رسد انگیزه‌های اصلی ترامپ خصومت شخصی با مادورو و تمایل به احیای دکترین مونروی قرن نوزدهمی از طریق ایجاد حوزه نفوذ و سلطه آمریکا در سراسر نیمکره غربی باشد.

رهبران منطقه‌ای از جمله گوستاوو پترو، رئیس‌جمهوری کلمبیا با خشم و نگرانی به این کودتا واکنش نشان دادند؛ شاید به این دلیل که بیم آن دارند خود نیز قربانی هژمونی تهاجمی جدید واشنگتن شوند. دولت چپگرای کوبا دلایل ویژه‌ای برای نگرانی دارد؛ چرا که برای تأمین انرژی ارزان و حمایت‌های سیاسی و اقتصادی به‌شدت به ونزوئلا متکی است.

در پاناما نیز سطح نگرانی‌ها بالا خواهد بود. ترامپ پیش‌تر بر سر کنترل کانال پاناما، این کشور را به اقدام نظامی تهدید کرده بود.

دولت‌های اقتدارگرا در سراسر جهان با دقت گام‌های بعدی ترامپ را زیر نظر خواهند داشت؛ همان‌گونه که متحدان دموکراتیک واشنگتن نیز چنین خواهند کرد. برای شی جین‌پینگ که نیروهایش هفته گذشته در حال تمرین اقدام نظامی علیه «جدایی‌طلبان» تایوان بودند، ترامپ اکنون سابقه‌ای ایجاد کرده است که شاید روزی خود از آن با رضایت پیروی کند.

کودتای ترامپ مستقیماً قواعد و اصول نظم بین‌المللی را به چالش می‌کشد. ایالات متحده بار دیگر سازمان ملل و شیوه‌های سنتی رسیدگی به اختلافات میان‌دولتی را نادیده گرفته و ظاهراً با کمترین توجه یا تأمل نسبت به پیامدهای بعدی در ونزوئلا دست به عمل زده است.

اگر در ونزوئلا خلأ قدرتی شکل بگیرد، نظم عمومی ممکن است فروبپاشد و جرقه جنگ داخلی یا کودتای نظامی زده شود. همچنین مشخص نیست که اقدام نظامی اخیر آمریکا پایان یافته یا ممکن است بیش از این تشدید شود. این تصور که رهبران مخالف تبعیدی، مانند ماریا کورینا ماچادو- برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۲۵- به‌سرعت بازخواهند گشت و دموکراسی کامل فوراً احیا خواهد شد، ساده‌لوحانه است.

اقدام بی‌پروا و نسنجیده ترامپ باید سرانجام به افسانه همیشگی و گمراه‌کننده‌ای که او از خود به‌عنوان «صلح‌ساز جهانی» ساخته بود، پایان دهد. جای تعجب نیست که صلح دست‌نیافتنی به نظر برسد و به‌طرزی عجیب، حتی در حالی که ترامپ خود را صلح‌سازی بی‌طرف و مخالف مداخله معرفی می‌کند، هم‌زمان علیه جهان جنگ به راه انداخته است.

ترامپ از زمان بازگشتش به قدرت در یک سال پیش یمن را بمباران کرده و پس از سست‌کردن قواعد درگیری، بی‌ملاحظه باعث کشته‌شدن شمار زیادی غیرنظامی شده است؛ نیجریه را بمباران کرده، آن هم با نتایجی معکوس؛ سومالی، عراق و سوریه را بمباران و به ایران حمله کرده است، جایی که با فریبکاری، موفقیت این حملات به تأسیسات هسته‌ای را اغراق‌آمیز جلوه داد. او حتی از رد احتمال بمباران گرینلند- قلمرو حاکمیتی یکی از متحدان ناتو، یعنی دانمارک-خودداری می‌کند.

در ذهن ترامپ چه می‌گذرد؟ تفسیر خوشبینانه این است که در مسائل جنگ و صلح، او اساساً نمی‌داند چه می‌کند؛ نه راهبردی دارد و نه درکی روشن و سیاست را بنا بر حال‌وهوای لحظه‌ای خود می‌سازد.

تفسیر تاریک‌تر می‌گوید او دقیقاً می‌داند چه می‌کند و اینکه بدتر و بیشتر در راه است. مانند رؤسای‌جمهوری پیشین که در دوره دوم خود در داخل کشور به بن‌بست خورده بودند، ترامپ صحنه جهانی را عرصه‌ای مناسب‌تر برای اعمال قدرت و ارضای خودبزرگ‌بینی می‌یابد. او میراثی خونین بنا می‌کند.

منبع: The Guardian

نامشروع و ناموجه

تحلیل

ریچارد هاس
رئیس پیشین شورای روابط خارجی آمریکا

نیکولاس مادورو اکنون رئیس جمهوری سابق ونزوئلا و زندانی در بازداشت ایالات متحده است. با این حال، سرنگونی او به دست نیروهای ویژه ایالات متحده به جای آغاز پایان، به عنوان پایان آغاز درک می‌شود.

این عملیات نظامی موجه یا عاقلانه نبود. در واقع، مشروعیت آن مورد تردید است. همچنین ارزش استراتژیک آن مورد تردید بود: مادورو به سختی تهدید قریب‌الوقوعی برای ایالات متحده محسوب می‌شد. اشتباه نکنید: این یک عملیات نظامی انتخابی بود، نه ضروری.

انتخاب هدف قرار دادن ونزوئلا، انگیزه رئیس جمهوری دونالد ترامپ را آشکار می‌کند. ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی خود پس از عملیات، اولویت اصلی را دسترسی آمریکا به ذخایر نفتی ونزوئلا، بزرگ‌ترین ذخایر نفتی جهان عنوان کرد. اهداف ثانویه شامل پایان دادن به دخالت ونزوئلا در تجارت مواد مخدر و تشدید فشار بر کوبا بود که به شدت به نفت یارانه‌ای ونزوئلا برای تقویت اقتصاد تحریم‌شده و در حال رکود خود وابسته است.

اما اعلام موفقیت این عملیات بسیار زودهنگام خواهد بود. کنار زدن یک فرد از قدرت یک چیز است، کنار زدن یک دولت و جایگزینی آن با چیزی ملایم‌تر و پایدارتر کاری اساساً متفاوت و دشوارتر است. در مورد ونزوئلا، «قانون انبار سفال» کالین پاول، وزیر امور خارجه سابق صدق می‌کند: ما آن را شکستیم، بنابراین اکنون مالک آن هستیم.

ترامپ اعلام کرده که ایالات متحده «ونزوئلا را اداره خواهد کرد.» جزئیات کمی در دست است و اینکه آیا این امر مستلزم یک ارتش اشغالگر خواهد بود یا خیر مشخص نیست. فعلاً یک چیز حداقل روشن است: دولت ترامپ ترجیح می‌دهد با بقایای دولت موجود همکاری کند تا اینکه مخالفان را توانمند سازد. این با سیاستی که انگیزه آن چشم‌انداز سود تجاری بوده همسو است.

مشکل اصلی - اختلال در نظم - باید صریحاً پذیرفته شود. عناصر طرفدار دولت مادورو فعال خواهند بود و مخالفان به هیچ وجه متحد نیستند و ممکن است در برابر طرد شدن مقاومت کنند. چنین ناشناخته‌هایی می‌تواند گزینه‌های سیاسی دشواری را برای ایالات متحده ایجاد کند، از نظر اینکه در صورت خارج شدن تحولات از کنترل، چه کاری برای شکل‌دهی به آنها آماده است.

این عملیات، جوهره سیاست خارجی ترامپ را به تصویر می‌کشد. این عملیات تا بن‌مایه خود یکجانبه بود. به مشروعیت یا نظرات بین‌المللی توجه چندانی نداشت. بر نیمکره غربی به جای اروپا، هند-اقیانوسیه (ایندو-پاسیفیک) یا خاورمیانه تأکید داشت. هدف، منافع تجاری، در این مورد دسترسی به ذخایر نفتی بود و از نیروی نظامی به روش‌های محدود استفاده شد.

بزرگ‌ترین نقطه ضعف عملیات ونزوئلا می‌تواند سابقه‌ای باشد که ایجاد می‌کند و حق قدرت‌های بزرگ را برای مداخله در حیاط خلوت خود علیه رهبرانی که آنها را نامشروع یا تهدید می‌دانند، تأیید می‌کند. فقط می‌توان تصور کرد که ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه که خواستار «نازی‌زدایی» از اوکراین و برکناری ولودیمیر زلنسکی است با تکان دادن سر موافقت کند. عملیات نظامی ترامپ در ونزوئلا، پایان مذاکره برای جنگ روسیه و اوکراین را حتی از آنچه که بود بعیدتر می‌کند.

واکنش مشابهی احتمالاً در چین نیز وجود دارد که تایوان را استانی جداشده از چین و دولت آن را نامشروع می‌داند. این بدان معنا نیست که رئیس جمهوری شی جین پینگ ناگهان برای تایوان عمل خواهد کرد اما وقایع ونزوئلا می‌تواند اعتماد به نفس او را افزایش دهد که در صورت حمله، محاصره یا اعمال زور نسبت به این جزیره، موفق خواهد شد.

عملیات برکناری مادورو روشن می‌کند استراتژی امنیت ملی ایالات متحده که اخیراً منتشر شده است، باید جدی گرفته شود و دولت ترامپ نیمکره غربی را منطقه‌ای می‌داند که در آن منافع ایالات متحده در اولویت قرار دارد. روسیه و چین از این امر به عنوان نشانه‌ای مبنی بر اینکه ترامپ دیدگاه آنها را در مورد جهانی تقسیم شده به حوزه‌های نفوذ (جایی که دولت‌های مسکو و پکن به ترتیب در اروپا و هند و اقیانوس آرام دست بالا را دارند) به اشتراک می‌گذارد، استقبال خواهند کرد. نظم جهانی که ۸۰ سال دوام آورده است در آستانه جایگزینی با سه نظم منطقه‌ای است که احتمالاً به هیچ وجه منظم نخواهند بود.

منبع: Project Syndicate

عکس: GettyImages

A History of the Modern Middle East

تاریخ خاورمیانه مدرن (۳۹)
ویلیام کلیولند
ترجمه: عسگر قهرمانپور

جنبش‌های ملی‌گرایانه و مداخله قدرت‌های بزرگ: شورش یونان، ۱۸۲۹-۱۸۲۱

در سده نوزدهم، امپراطوری عثمانی نه‌تنها از سوی قدرت‌های اروپایی و سرداران محلی تهدید می‌شد، بلکه با خطری تازه و عمیق‌تر روبه‌رو گردید: خیزش ملی‌گرایی در میان ملت‌های اروپایی تحت سلطه‌اش. ایدئولوژی نوپدید ملی‌گرایی که بر پایه اشتراک زبان، فرهنگ و خاطره تاریخی شکل گرفته بود، بنیان مذهبی و چندقومیتی امپراطوری عثمانی را به چالش کشید. در نتیجه، موجی از جنبش‌های استقلال‌طلبانه سراسر بالکان را فرا گرفت؛ جنبش‌هایی که قدرت‌های بزرگ اروپا بسته به منافع خود، از آنها حمایت یا بهره‌برداری سیاسی می‌کردند. نخستین شعله این قیام‌ها در صربستان (۱۸۰۴) برافروخته شد، اما صرب‌ها به دلیل ناتوانی در جلب پشتیبانی قدرت‌های اروپایی، تنها به خودمختاری محدود دست یافتند. در مقابل، شورش یونان از پشتیبانی آشکار قدرت‌های بزرگ برخوردار شد و سرانجام به تأسیس نخستین دولت مستقل بالکان، یونان نوین، انجامید. در اوایل قرن نوزدهم، جامعه یونانی در چهارچوب امپراطوری عثمانی از دو بعد متمایز برخوردار بود.

نخست، یونانیان برون‌مرزی بودند که در مراکز تجاری و فرهنگی چون استانبول و اودسا (در سواحل دریای سیاه) زندگی می‌کردند. این گروه شامل بازرگانان، دریانوردان و روشنفکرانی بود که با فضای فکری و سیاسی غرب اروپا و به‌ویژه اندیشه‌های انقلاب فرانسه آشنایی داشتند. یونانیان فناریوتِ استانبول که زبدگان مذهبی و اداری کلیسای ارتدوکس محسوب می‌شدند، نقشی کلیدی در دیپلماسی عثمانی ایفا می‌کردند. در اودسا نیز جامعه‌ای پویا از بازرگانان یونانی شکل گرفته بود که نقش مؤثری در انتقال ایده‌های آزادی‌خواهانه به داخل یونان داشتند. در همین فضا و در سال ۱۸۱۴، گروهی از روشنفکران تبعیدی در اودسا انجمنی مخفی به نام «فیلایک هتایریا» (به‌معنای انجمن دوستان) بنیان گذاشتند. هدف این سازمان، هماهنگی میان فعالان و برنامه‌ریزی برای قیامی سراسری به‌منظور استقلال یونان از سلطه عثمانی بود.

در سرزمین اصلی یونان، اوضاع به‌مراتب آشفته‌تر از دنیای فنار و اودسا بود. با ضعف تدریجی اقتدار مرکزی عثمانی، ساختار اداری در یونان رو به فروپاشی گذاشت و کشور به صحنه قدرت‌نمایی دِرِبی‌ها (زمین‌داران و فرماندهان محلی) بدل شد؛ افرادی که اغلب، چه ترک و چه یونانی، به‌صورت مستقل عمل می‌کردند و از دهقانان بهره‌کشی می‌نمودند. بی‌اعتمادی مردم نسبت به مقامات عثمانی فزونی گرفت و احساس ستم و بیگانگی با رشد اندیشه ملی‌گرایی درآمیخت. در این میان، احیای ادبیات کلاسیک یونان و بازخوانی تاریخ باستان، روح تازه‌ای در جامعه دمید و ایده استقلال را مشروعیت فرهنگی بخشید. در چشم بسیاری از یونانیان، عثمانی‌ها دیگر نگهبانان نظم امپراطوری نبودند، بلکه چهره سلطه و بیگانگی را نمایندگی می‌کردند.

نوبت اول

مزایده بخشی از سهام شرکت غیربورسی سرمایه‌گذاری ری متعلق به بانک سپه - شماره ۲۱۳۳/۱۴۰۴/۳۳

بانک سپه در نظر دارد بخشی از سهام شرکت غیربورسی سرمایه‌گذاری ری متعلق به خود را با شیوه نقد و به‌صورت یکجا طبق مشخصات مندرج در این اسناد و از طریق برگزاری مزایده عمومی با رعایت کامل مندرجات در شرایط عمومی مزایده وهمچنین سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به‌شماره ۱۰۰۴۰۰۱۰۳۶۰۰۰۰۱۷ به نشانی www.setadiran.ir به‌فروش برساند.

- **تاریخ انتشار مزایده در سامانه ستاد:** ساعت ۸:۰۰ روز دوشنبه به‌تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۵.
- **آخرین مهلت دریافت اسناد مزایده:** ساعت ۱۹:۰۰ روز پنج‌شنبه به‌تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۸.
- **آخرین مهلت ارائه پیشنهاد:** ساعت ۱۶:۰۰ روز دوشنبه به‌تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۹.
- **تاریخ بازگشایی پاکات پیشنهادی:** ساعت ۸:۰۰ روز سه‌شنبه‌به‌تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۳۰.
- **تاریخ بازدید:** از ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز دوشنبه به‌تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ لغایت ساعت ۱۴:۰۰ روز دوشنبه به‌تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۹
(بازدید در ایام برگزاری مزایده همه روزه به‌جز روزهای تعطیل از ساعت ۰۸:۰۰ لغایت ۱۴:۰۰ و پنج‌شنبه‌ها تاساعت ۱۲:۰۰ مقدور می‌باشد)

نحوه فروش: نقد

توجه: لطفا به اصلاحات احتمالی مزایده که در آگهی نوبت دوم که در جراید کثیرالانتشار منتشر و در سایت بانک سپه به‌نشانی الکترونیکی www.banksepah.ir مندرج می‌گردد و تا پایان آخرین مهلت ارائه پیشنهادات ملاک عمل می‌باشد، توجه فرمایید.

توضیحات و شرایط:

۱. هماهنگی لازم جهت کسب اطلاع از جزئیات سهام مذکور ویا بازدید از محل شرکت: جناب آقای مهندس بهشتی به آدرس کیلومتر ۳۸ آزاد راه تهران - قم (محل پروژه) باشماره تماس ۵۶۲۴۰۱۷۶.

۲. شرکت در مزایده صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) مقدور می‌باشد و کلیه مراحل فرآیند مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده، پرداخت تضمین شرکت در مزایده (ودیعه)، ارسال پیشنهاد قیمت و اطلاع از وضعیت برنده بودن مزایده‌گران محترم از این طریق امکان‌پذیر می‌باشد.

۳. علاقه‌مندان به شرکت در مزایده می‌بایست جهت ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (توکن) با دفتر ثبت‌نام سامانه ستاد با شماره ۱۴۵۶ تماس و یا به آدرس اینترنتی www. setadiran.ir مراجعه نمایند. کلیه اطلاعات املاک و مستغلات شامل مشخصات، شرایط ونحوه فروش در برداعلان عمومی سامانه مزایده قابل مشاهده، بررسی وانتخاب می‌باشد.

۴. ارائه پیشنهاد قیمت در سامانه ستاد به منزله قبول کلیه اسناد و مفاد مندرج در شرایط مزایده می‌باشد.

اطلاعات شرکت:

۱) شرکت سرمایه‌گذاری ری (سهامی خاص) غیر بورسی بوده و موضوع فعالیت شرکت براساس ماده ۲ اساسنامه به‌شرح موارد زیر می‌باشد:

الف: انجام کلیه امور مربوط به‌سرمایه‌گذاری و اجرای پروژه‌های ساختمانی، صنعتی، کشاورزی، دامداری، معدنی، خدماتی، بازرگانی، فرهنگی، آموزشی، درمانی وبهداشتی، مطالعاتی وتحقیقاتی
ب: اخذ نمایندگی از شرکت‌های داخلی و خارجی
ت: اعطا نمایندگی به‌شرکت‌های داخلی و خارجی
ث: اعطا و دریافت وام از مراجع ذی‌صلاح داخلی و خارجی
ج: انجام کلیه امور صادرات و واردات و خدمات مربوط به‌آن
خ: انجام کلیه امور مربوط به‌پیمان‌کاری شرکت‌های دولتی و غیردولتی
د: انجام کلیه امور مربوط به‌پیمان‌گذاری ارزی و سرمایه‌گذاری و مشارکت در امور تولیدی بخش‌های خصوصی‌ودولتی
ذ: خرید اوراق قرضه و دیگر اوراق بهادار و خرید سهام سایر شرکت‌ها و کارخانجات
ر: سرمایه‌گذاری در طرح‌های بزرگ تولیدی و خدماتی
ز: شرکت در مناقصات و مزایده‌های بخش خصوصی، عمومی و دولتی
س: شرکت در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی
ص: هرگونه فعالیت مجاز در رابطه با موضوع شرکت

۲) **ترکیب سهامداران:** (براساس صورت مالی شش ماهه منتهی به ۱۴۰۴/۰۳/۳۱)

سهامداران شرکت سرمایه‌گذاری ری	تعداد سهام	دولتی/خصوصی/عمومی
ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره)	۲۵,۴۰۲	نهاد
بانک سپه	۱۴,۷۹۸	دولتی
بانک ملی	۸,۸۲۱	دولتی
گروه مالی ملت	۵,۶۵۹	خصوصی
بانک صنعت و معدن	۱,۹۰۶	دولتی
شرکت پارس ام.سی. اس	۱	خصوصی
شرکت فواد ری	۱	خصوصی
شرکت مبین ری	۱	خصوصی
جمع کل	۵۶,۵۸۹	.

۳) **نماینده شرکت، جناب آقای مهندس بهشتی، به‌آدرس: کیلومتر ۳۸ آزادراه تهران- قم (محل پروژه) و شماره تماس: ۵۶۲۴۰۱۷۶ جهت بازدید شرکت معرفی می‌گردد.**

«مشخصات سهام مورد مزایده»

نام شرکت	سهام قابل عرضه		کل سرمایه شرکت (میلیون‌ریال)	ارزش پایه هر سهم (ریال)	ارزش کل پایه سهام قابل واگذاری (میلیون ریال)	شرایط فروش	موضوع فعالیت بنگاه
	تعداد	درصدکل					
سرمایه‌گذاری ری	۱۴,۷۹۸	٪ ۲۶/۱۵	۲,۸۲۹,۴۵۰	۷۸۹,۲۹۰,۶۲۲	۱۱,۶۷۹,۹۲۳	یکجا و نقد	سرمایه‌گذاری و اجرای پروژه‌های ساختمانی، صنعتی، کشاورزی و...، اخذ نمایندگی از شرکت‌های داخلی و خارجی و کلیه امور صادرات، واردات، پیمان‌کاری شرکت‌های دولتی و غیردولتی و پیمان‌گذاری ارزی بخش‌های خصوصی و دولتی و...

شناسه: ۲۰۸۵۸۷۴ میم الف: ۳۶۸۶

بانک سپه - اداره کل املاک